



گفت و گو با مهدی قزلی درباره راه و رسم زندگی آیت... سید جواد خامنه‌ای و آنچه می‌توان از آن آموخت

مجتبه‌دی که  
اهل سلوک بود

10

به دلیل عملیات عمرانی  
تقطیع شهید فهمیده صورت می‌گیرد  
انسداد خروجی میدان  
شهید فهمیده به بزرگراه  
شهید چراغچی، از امروز

شهرآراد دغدغه‌های یارانه بگیران و فروشگاه داران  
را برای اجرای طرح کالایبرگ پیگیری می‌کند

در باره ۲ مدرسه تاریخی که سال ۱۳۵۴  
در طرح توسعه اطراف حرم مطهر تخریب شدند



## توزیع روزانه ۲۸۰۰ گذرنامه زیارتی در استان خراسان رضوی از تسریع در ارسال گذرنامه‌ها خبر داد

افزایش خواهد یافت و ما برای این اوج‌گیری آمادگی لازم را داریم.

در آستانه فرارسیدن ایام اربعین حسینی، اد اره کل پست خراسان رضوی با انتخاذ تدایر ویژه، روند توزیع گذرنامه‌های زیارتی را تسریع بخشیده و در تلاش است تاباکیفتی بیشتر و در مدتین زمان ممکن، این اسناد هویتی را به دست مشتاقان زیارت عتبات عالیات بر ساند. مد برکل پست خراسان رضوی درگفت و گواخته‌اصی با شهرآرا با تشریح جزئیات این طرح، از آمادگی کامل پیست استان برای خدمت رسانی به رائیر خبر دارد.

حسین شریفی با اشاره به آمار صدور گذرنامه در خراسان رضوی، اظهار کرد، از ابتدای امسال تاکنون شاهد دریافت حدود ۷۰ هزار گذرنامه در استان بوده‌ایم که از این تعداد، سهم گذرنامه‌های زیارتی درخورتوجه و حدود ۴۶ هزار فقره بوده است. این آمار نشان دهنده علاقه هم وطنمنان به شرکت در راهپیمایی عظیم اربعین است.

روند افزایشی صدور گذنامه زیارتی از مرداد وی با تأکید بر روند افزایشی صدور گذنامه های زیارتی با نزدیک شدن به ایام اربعین، افزود: در تیمراه شاهد صدور ۱۸ هزار گذنامه زیارتی بودیم، ما فقط در هفت روز ابتدایی مرداد، این رقم به ۲۵ هزار فقره رسیده است. این رشد فراینده، نشان دهنده اوچ گیری تقاضا و لروم افزایش ظرفیت پاسخگوی است.

شریفی با ایمان اینکه در آستانه اربعین حسینی صدور گذنامه زیارتی از مرداد، استان انجام

همی شود. فکت با اجرایی شدن این طرح، همکاران ما روزانه به اداره گذرنامه مراجعت و گذرنامه های آماده را دریافت می کنند و بالا صله پس از دریافت، فرایند توزیع آنها در همان روز اغاز می شود. این اقدام، سرعت عمل را به طور چشمگیری افزایش داده است.

مدیریکل پست استان به میانگین توزیع روزانه اشاوه کرد و گفت: به طور میانگین، در روزهای خیر شاهد توزیع روزانه بین ۲ هزارو ۷۰ تا ۸۰۰ گذرنامه زیارتی در سطح استان بوده ایم. این عدد، با توجه به درپیش بودن ایام اربعین،

رهبر معظم انقلاب در مراسم بزرگداشت شهدای جنگ تحمیلی اخیر فرمودند جمهوری اسلامی و ملت عزیز ایران  
اراده استقامت و دست پُر خود را به دنیا نشان داد

# قدرت نمایی ایرانیان پیش چشم جهانیان



روایت‌هایی از زندگی شهید مرتضی بخشی و شهید سید حسن حسینی‌نژاد که در حمله رژیم صهیونیستی جانشان را فدای میهن اسلامی کردند

# بدر نام فہرمان وطن

محله

محله ۱۲ و ۱۱

# رئیس کمیسیون بانوان و خانواده شورای اسلامی شهر: شورای اجتماعی محلات به مسائل بانوان و نوجوانان محابا تمدید کرد

## مسئله کنسسوم

## ایده استاندار برای احیای ورزش خراسان رضوی چرا به نتیجه نرسیده است؟

# لگاه شورای سیاستگذاری شهری



صفحه ۱۶؛ صفحه ۲۰؛ صفحه ۲۴؛ صفحه ۳۰؛ صفحه ۵۲

۱۶+ توانمندی های اسلامی؛ ۲۰+ اینترنت و امنیت؛ ۲۴+ امنیت اینترنتی؛ ۳۰+ امنیت اینترنتی؛ ۵۲+ امنیت اینترنتی

پس از انتقادهای بی شمار به قانون «هوای پاک»  
مجلس در صدد است برای این قانون  
طرح نو دارداند از

၁၃

یادداشت  
شهروند زائر پذیر  
لazمeh معماري اجتماعي  
مشهدالرضا(ع)

در آستانه روزهای پایانی ماه صفر و حضور میلیونی مشتاقان حضرت رضا<sup>(ع)</sup> در مشهدالرضا<sup>(ع)</sup>. آماده سازی طرفیت های شهر مشهد به دغدغه ای جدی برای مدیران و برنامه ریزان این شهر بدل می شود. مشهد به عنوان دومین کلان شهر مذهبی جهان و قطب زیارت جهان تشیع، نه فقط با گستره کالبدی حرم مطهر رضوی، بلکه با هویت و حافظه ای ساخته از قرون و اعصار، موقعیتی بی بدیل در چغرافیای دینی، فرهنگی و اجتماعی ایران یافته است. تحولات ۳۵ سال اخیر، طرفیت های این حرم و شهر را در ابعاد فیزیکی و خدماتی چندین برابر کرده است؛ چنان که امروز افزایش وسعت حرم از ۱۲ هزار مترمربع به بیش از یک میلیون مترمربع، افزایش فضاهای مسقف و غیرمسقف، تسهیل در دسترسی ها، توسعه زیرساخت های خدماتی و در سطح شهر نیز توسعه زیرساخت هایی چون پارکینگ های طبقاتی، خطوط ریلی زیرسطحی، مراکز درمانی و اسکان و تغذیه، نه فقط برای زائران ملی، که برای پذیرش زائران بین المللی نیز مهیا است. سهم مشهد از تخت های مهمان پذیری رسمی کشور به بیش از ۵۰ درصد رسیده و در صنعت

سلامت و درمان و اقامت نیز به نقطه ساخت  
می مبدل شده است. با این همه آنچه هویت  
معنوی و تجربه زیارت را به سفری تکرارپذیر  
متنازی می سازد، کیفیت مواجهه را از روی  
گشاده و فرنگ مهمنان نوازی مردم شهر است.  
حقیقت آن است که توسعه کالبدی و خدماتی،  
همراه با رشد هم افزای سرمایه اجتماعی و اخلاقی  
میزبانی، روح بخش و منجر به تاثیر پایدار خواهد  
بود. زیرا زائر بیش و پیش از فضای ساختمان، با  
رفتار و میش شهروندان روبروست و حضورش  
با حس معنویت، خاطره و ارتباط انسانی پیوند  
می خورد. در این میان، نقش نهاد تعلیم و  
تریتی در خط مقدم تربیت شهروندانی زائردیزیر  
و مهمنان نواز، حیاتی است. امروز لازم است  
فصل مستقلی به «پرونر شهرهوند مهمنان نواز»  
در آموزش رسمی شهر مشهد افزوده شود؛  
آموزه هایی درباره جایگاه زائر، جایگاه زیارت،  
ارزش خدمت به زائران و نیز ظرفیت بدیزیری،  
مادرتی های ارتباطی بنی فهنه: گ احتمالیه

نهاووهای پدیده مسوبیت اجتماعی در فیلم زائران و مسافران. طرح هایی از جنس «گام های عاشقی» باید به صورت ساختاری، پیوسته و هدفمند در مدارس، در هم تینیده با خانواده ها و اولیای مدرسه، نهادهای شود تا هر دانش آموز از همان سال های نخست، خود را همسایه امام رضا<sup>ع</sup> و میزبان میهمانانش بداند. از سوی دیگر، نهادهای محوری چون صداوسیما، شهرداری، نهاد نماز جمعه و جماعتات و تشكل های مردمی نیز باید مأموریت پیوسته و خلاقانه ای برای فرهنگ سازی و مهارت آموزی اشاره مختلف به عهده بگیرند...













هاشیان اقیانوسیه ایضاً روز گذشته تالحظه تهیه این خبر به ۷ میلیون و ۲۱۰ هزار تومان رسید. در ابتدای قیمت این فلز زرد به همراه انواع سکه ها راهی اونس جهانی در مسیر افزایشی بازگشای شد. البته در مجموع بازار سکه و طلا در دو روز گذشته روند منظمی نداشتند. قطعات امامی و نیم سکه با نوسانات محدود کاهشی و افزایشی همراه بودند. آن طور که بنظیر این قیمت اونس طلا جهانی سیگنال افزایش قیمت را بازار طلا ایران داده است. اونس جهانی ازو روپبل در روند کاهشی قرار گرفته و تاکید کرد که دلار با وجود نوسانات محدود روند همچنان در کمال هزار تومانی پایدار گشته به صورت محدود روند افزایشی پیش گرفت. همین موضوع باعث شده تا روند کلی بازار سکه مشتباشد. با وجود اینکه قیمت سکه امامی در ساعت ابتدایی روز گذشته نا ۷۹ میلیون و ۸۰ هزار تومان بهار آزادی به ۷۲ میلیون و ۵۰ هزار تومان رسیده بود در ساعت میانی روز قیمت این دو قطعه به ترتیب به ۷۸ میلیون و ۹۰ هزار تومان و ۷۲ میلیون و ۱۵ هزار تومان کاهش یافت.

## روی خود

## فروش بلیت پرواز های ویژه اربعین

شهر آرانبویزامهدی رمضانی، سخنگوی سازمان هواپیمایی کشوری، ایان اینکه فروش بلیت پرواز های ویژه اربعین برای بازه ۱۶ تا ۲۶ مداده از امور روزگاری شد. گفت. فهرست کامل دفاتر فروش و برنامه زمان بندی فروش بلیت پرواز های روزی سایت سازمان هواپیمایی قارخانه گرفت. وی با تأکید رفت و برشت به مقصده باغدان یانجف برای ازان ایام ازستان های خراسان سیستان و بلوچستان، کرمان، بزد، هرمزگان، فارس، مازندران و گلستان ۱۵ میلیون تومان و از تهران و سایر استان های این ایام که شده اند میلیون ۱۳ میلیون تومن تعیین شده است.

## انجام سریع تشریفات گمرکی زائران اربعین

ایستانا ناطر گمرکات خراسان رضوی با تأکید بر تسهیل امور گمرکی برای زائران اربعین گفت. تشریفات گمرکی برای موكب ها و زائران با سرعت و درکمترین زمان ممکن انجام می شود و علت تأخیر در ترخیص کالا صدور مجوزهای لازم از سوی دستگاه های دیگر است و گمرک در این زمانه نقشی ندارد. جواه جغرافی اظهار کرد. هم زمان با آغاز فعالیت استاد اربعین در استان گمرکات خراسان رضوی نیز باید کار هستند و تشریفات گمرکی برای مراجعت موكب ها با هماهنگی ستاد عبایت و درکمترین زمان ممکن انجام می شود این تشریفات شامل احلاه و سایل دارای مجوز بوده و روند خدمات رسانی با سرعت انجام می شود.

## تعیین تکلیف قیمت لبیات ضروری است

مهاره دیگر اعمال اتحادیه تعاویه های لبیت کشور با اینکه هنوز مصوبه ای برای افزایش قیمت مخصوصات لبیت صادر نشده، بر این نسبت و درکمترین زمان قیمت ها برای هر یک از زیان تولیدکنندگان و مصرف کنندگان تأکید کرد. علی احسان ظفری دریک بر بنامه رادیویی با اشاره به افزایش خودسرانه قیمت پرخی محصولات لبیت گفت. تاکنون هیچ کوته مصوبه رسی از سوی مراجع ذی ربط درباره افزایش قیمت لبیات صادر نشده است. قیمت گذاری در این حوزه باید براساس صوبات شواری قیمت گذاری و اتخاذ سیاست های حمایتی محصولات اساسی کشاورزی باشد.

## بورس فرار ۶۲ همت پول حقیقی از بورس

تجارت نیوزابورس تهران در نخستین سال دولت مسعود پرleshکیان با ترکیب از عوامل سیاسی، ریسک های اقتصاد کلان و تحولات جهانی رویه رو شد. طی این مدت، حدود ۶۲ هزار میلیارد تومان پول از بازار خارج شد و میانگین در همین شرایط، ساخت خارجی کل رشدی ۲۸ درصدی و شاخص هم وزن افزایشی ۱۹ درصدی را ترجیه کرد که از برتری رشد در نمایه های بزرگ بازار ارز دارد. در این بین امدادی توان تمام تقدیر را به دلیل پرleshکیان نه برازی بازار را ترجیه یک سال گذشته ثابت کرد که دولت پرleshکیان نه برازی بازار سرمایه سیاست خاصی نداشت. بلکه در برخی موارد با تصمیمات اشباعه بازار را در چار شوک وی اعتمادی کرد و در نهایت، خود در نقش تماشی ظاهر شد.

میانگین حجم معاملات روزانه بازار سهام دریک سال گذشته به عدد ۱۸.۳ میلیارد برگه سهم رسیده است در همین دوره. میانگین ارزش معاملات خرد روزانه تنها پنج هزار و ۵۳ میلیارد تومان بوده است، رقمی که نسبت به انداده و طرفتی بازار سرمایه ایران، باین و نگران گذشته تلقی می شود. این عدد تأییدی دیگر بر جایان تقاضی کمی ضعیف در بازار است، موضوعی که می تواند به افزایش شکنندگی قیمت ها و کاهش اعتماد سرمایه گذاران منجر شود. با وجود رشد نسبی شاخص کل، عمق این رشد به تمام لایه های بازار نرسیده است و همچنان ریسک های غیراقتصادی، نهادی جدی برای ثبات بورس به شمار می روند. آینده بازار بیش از آنکه به تحلیل تکنیکال و استهانی به تحولات سیاسی و تصمیمات اقتصادی دولت گره خورد است.

## بازدهی بازارهای در چهارماهه امسال

۸	نرخ سودبانکی
۴,۹۴	شاخص بورس
-۱۰,۲	دلار آزاد
-۱۸	طلای ۱۸ اعيار
-۲۳	ربع سکه
-۲۷,۷	نیم سکه

# مجتهدی که اهل سلوک بود



کار از هر کسی برنمی آید. به همین دلیل، شما آیت...  
بهجت‌های زیادی ندارید. یک چیزی را هم در نظر  
داشته باشید: آقاسید جواد با اولین پسر خودش  
چهل سال اختلاف‌سنی دارد، آن دو یا سه دختر را که  
از همسر اول هستند، کاری ندارم. آقاسید جواد با آقای  
خامنه‌ای بسردوم، چهل و چند سال اختلاف‌سنی دارد.  
بعنی وقتی این‌ها مرستد به پانزده سالگی، پدرشان  
تقرباً اوایل کهولت است. درست است که تحت  
تریبیت جدی پدر در مسئله‌های دینی‌ای هستند. اما  
در مسئله‌های اجتماعی، پدرشان پیشواشان نیست.  
پیشواشان امام<sup>(۱)</sup> است، روشن است، خیلی روشن است.  
البته آقاسید جواد با امام خمینی<sup>(۲)</sup> خیلی رفیق بود.  
اصلاً آدم باورش نمی‌شود، دوتا آدم ازدواج‌طلب مختلف  
عجیب غریب به شدت با هم دیگر دوست بودند. دلیل  
دوست بودنشان هم اصالت بود. آقاسید جواد در  
روشی که داشت اصالت داشت، ادا و اطوار نداشت.  
می‌شناخت، می‌دانست، می‌خواست این کار را بکند؛  
امام خمینی<sup>(۳)</sup> هم اصیل بود. این دو تا آدم اصیل،  
به هم دیگر که رسیدند، همدیگر را پسندیدند. به  
همین دلیل، آقا، وقتی می‌رود قم، می‌شود شاگرد  
امام<sup>(۴)</sup>، آقای خامنه‌ای پرس: به یا بای سلام برسان؛ به  
وقت می‌خواستند بروند و بیایند، به هم دیگر پیغام  
و سلام و علیک می‌فرستادند. یعنی امام خمینی<sup>(۵)</sup> به  
آقای خامنه‌ای می‌گفت: «به یا بای سلام برسان؛ به  
همین دلیل، آقاسید جواد می‌گوید: «اگر امام<sup>(۶)</sup> خروج  
کند، من با او بیعت می‌کنم.» می‌گوید: «من خودم خروج  
نمی‌کنم.» در این حد روشن است دیگر، آقاسید جواد  
ادم خروج کردن نیست، یعنی ادم انقلاب کردن نیست.  
ولی می‌گوید: «اگر امام<sup>(۷)</sup> خروج کند، من با او بیعت  
م کنم.» امام<sup>(۸)</sup> فقط، ها! اصغر و همشنگ نه!

● یعنی این در آقای حکیم و آقای بروجردی و آقای خوبی هم نبود.

نه، نبود. اصلاً آقادسید جواد بیش از این حرف ها بود.  
آقادسید جواد با اینکه می توانست مرجع باشد. آن را  
هم نخواست. آقادسید جواد می توانست درس و بحث  
ستگین راه بیندازد؛ آن را هم نخواست. با اینکه آدم  
بسیار عالمی بود. در این حلقه کمپانی که می نشستتی،  
ایشان جزو گردن کلفت ها بود. ایشان رفیق فابریک  
علامه طباطبایی و همان آقای میلانی بود. رفیق فابریک  
از بچگی، از تبریز. آقای طباطبایی همیشه می آمد  
می نشست با ایشان اقلیدس و فلسفه و کلام می خواند.  
می دانید مثل چیست؟ فرض کنید شما فتوبلی هستید،  
با کسی می روید راجع به فوتbal صحبت می کنید؟ با یکی  
که فوتbal می فهمد. آقادسید جواد خیلی سطح علمی اش  
بالا بود. ولی آن مرجعیت علمی را هم نخواست: نخواست  
دوروریش شلوغ باشد.

اینجا یک متناقص نمایی هست: کسی که نمی خواهد سرزنشش این می شود که شهرتی به اندازه طبابی و میلانی و امثالهم، یعنی دوستان خودش، ندارد؛ بعد، این سلوک چطور قرار است ادامه پیدا کند؟

سؤال من این است که کسی که به این سلوک معتقد است، طبیعتاً دوست دارد که سلوک خودش رواج هم پیدا کردد.

نه. این هم یک شعبه‌ای از شعبات همان شهرت است. چنین‌کسی کار خودش را می‌کند. کما اینکه امام<sup>(۴)</sup> هم انقلاب کرد. ولی نگفته «همه‌تان انقلابی باشید». البته بعضی مواقع شاکی بود از بعضی آدم‌های ضد مسئله‌های اجتماعی. آقاسید جواد هم این جوری نبود. آقاسید جواد هم اهل انقلاب کردن نبود، ولی فهم این را داشت که پشت سر امام<sup>(۵)</sup> می‌شود ایستاد.

چیزی است که این مفهوم را مگام کرده‌ایم. من و شما کارمندیم. هی نگاه‌می کنیم بینینم آخر ماه شد یانه. یک قران دوهزار به ماکم وزیاد دادند یانه. نباید آن هاکم وزیاد بدنهن. ها! منتها ذهن ما هم تباشد در گیر این چیزها باشد. ذهن ما باید در گیر شد. در گیر رشد خودمان و رشد دیگران. در گیر پیشرفت باشد. رشد خودمان و رشد دیگران. در گیر پیشرفت باشد. ولی واقعیت‌ش این است که پنجاه‌ر صدش هی نگاه می کنیم قیمت دلار چند است. نگاه می کنیم بینینم چطوری می توانیم همسایه را پیچانیم. نگاه می کنیم بینینم چطوری می توانیم در جای پارک دغل بازی در بیاوریم. دارم با اغراق می گویم. برای اینکه حرفم را روشن کنم. آقاسید جواد از این جهت. مخصوصاً برای طلب‌ها. الگوی بی‌نظیر است به نظر من. بی‌نظیر آدمی در اوج اشتهرار (در حوزه خودش البته) که هیچ روحانی از نبود در مشهد. حتی به یک معناد رنجف. که ایشان رانشناست. هم خودش را وهم پدرس را. وقتی که می رونجف. همین آقاسید جواد. بزرگان نجف. یعنی مراجع تقليد نجف. می آید به دیدنش. دید و بازدید می کنند با هم. با اینکه یک نوحان بوده (نوحان که می گوییم یعنی مثلاً شانزده هفده ساله) به خاطر پدرش. می خواهیم بگوییم با اینکه در اوج اشتهرار بود توی صنف خودش. از این اشتهرار هیچ وقت هیچ چیز برای خودش نخواست. هیچ وقت. تازه یک دوره‌ای از این اشتهرار هم مال موقعی بوده است که پسرهاش دیگر کوکیل شده بودند. یکی شان رئیس جمهور بود. یکی شان نماینده مجلس بود.... بالآخره. هر کدام یک جایی بودند دیگر. موقعی که گازکشی می شود. وقتی می خواهند گاز خانه آقاسید جواد را بد هنند. می رود می ایستد می گوید: «اول گاز همه این همسایه ها را باید بد هنند. بعد گا: ب: (ابدهد):» خواهیم بگوییم که

زندگی همان دچار مسئله است. حالا آفاسید جواد نمی‌گوییم مسئول بود، ولی بابت اینکه با مردم عادی متفاوت بود، متمایز بود، می‌تواند مثالی از زندگی مسئولان هم باشد دیگر.

الان این سلوک بین مسئولان، به ویژه روحانیون، هست، نیست، کم است؟

نه؛ گفتم که گم شده است دیگر! این مفقودی ماست، مفقوده ماست، این نوع نگاه به زندگی، کار ساده‌ای نیست، ها! خود ماها انجامش نمی‌دهیم، خود ماها وقی که میوه می‌آورند خیار رانی خوریم، اول زردآلو را می خوریم، اصلاح توجه نمی کنیم که احتمالاً خیار را بیشتر دوست داریم؛ می‌گوییم «بگذار زردآلو را بخورم، زردآلو هم گران است، هم فصلش کوتاه است، خیار که همیشه هست!» از این بگیرید و بروید جلو، پس به نظر من نه در مردم روحانیت و نه در مردم مسئولان

در دوره خود آفاسید جواد هم این سلوک، عمومی نبود  
بین روحانیت. من حرفم این است که فیش سیم این  
ماجرای باید کنار فیش های دیگر به آدمها وصل شود.  
آیا روحانیت باید با مظاہر مدنیته آشنا باشد یا نه،  
مثل شبکه های مجازی، سایت، اینترنت و این ها؟ به  
نظر من، باید آشنا باشد. آیا روحانیت جدید باید  
از روابط بین الملل سر دریابورد یا نه؟ به نظر من، بله.  
باید سر دریابورد. این هم یکی از آن سوال هاست: آیا  
روحانیت باید درباره زندگی دنیاگیری خودش با توجه و  
با ساختگیری باشد یا نه؟ بله، باید باشد. این «بله، باید  
باشد» از ابتکانکارانه تلقین دارد.

اس. مامی توییم سیمیس باید به روحاییت جدید وصل شود؛ کابل نخواستیم. ولی سیمیش وصل شود که! فکر کنم حرفم را روشن گفتم.

شما در تحقیقاتتان از این تغییر سلوک سید محمد و سیدعلی و سیدهادی سرنخی پیدا کرده‌اید؟ اتفاقی، واکنشی، حتی توصیه خود پدر این باشد که «ما این جنبه را دیدیم [که به قول شما اشتباه هم نیست]؛ شما، اگر جنمش را، ظرفیتش را دارید، جنبه دیگر را ببینید؟»

این جنبه را دیدند و تصمیم گرفتند جور دیگر باشند. آنها احساس کردند آن چیزی که برای اجتماع ما لازم تر است. روش امام خمینی<sup>(\*)</sup> است. بعد هم این

دادار دوری برایش بگیریم. توی این دادار دور کتی بیوشیم. رفتیم آنجا چه حرفی بزنیم که بگویند «به! این ها بلدند». گاهی خود این وسیله ها تبدیل به حجاب می شود.

آنچه به نظر من درست است، روش امام خمینی<sup>(۱)</sup> است. امام خمینی<sup>(۲)</sup> هردوتای این ها را با هم داشت هم سلوک شخصی داشت. هم رفته های اجتماعی. البته امام<sup>(۳)</sup> طرفیش را هم داشت. گردن کلفت بود. از همان جوانی در راه انداختن اجتماعات. در جماعت برقرار کردن در همه این ها آدم گردن کلفتی بود. از آن ور هم نگاه می کنی سلوک شخصی اش را می بینی. خیلی جدی بود با اینکه به نوعی خان زاده بود. بابای گردن کلفت داشت خانه بابای امام<sup>(۴)</sup> (هنوز معروف است) خانه بزرگی بود آدمی بود که یک دفعه بپاید نمک پزند به هندوانه بگوید: «من برای اینکه نفس خودم را بششم. هندوانه نمکی می خورم». بهترین نوعش. به نظر من. تلقیق این دوتا با همدیگر است. یعنی کار اجتماعی کردن و سلوک شخصی. یک بخشی اش را همین آقای خامنه ای دارد الان. آقای مهاجرانی معروف است که می گوید به آقای خامنه ای و خانواده اش و بچه هایش اصلاح امکان ندارد گیرگور مالی بجسبید. برادر های آقای خامنه ای آقای خامنه ای رهبر. هم همین جوری هستند. این همچنان از آقاسید جواد و ام گرفته اند و یاد گرفته اند و توی آن فضا تربیت شده اند که مسئله های دینی برایشان کم اهمیت باشد. دنبال زیاد کردن و چیز روی چیز گذاشتند. برحال. آقاسید جواد اصولاً جمع بندی خودش به هر حال.

این بود که آن طرفیتی که بخواهد در مسئله های اجتماعی کنش داشته باشد و خودش آن هارا دنبال کند. آن را نداشت. خدا پدرش را بیامزد! مثل اینکه من یک معلم و مدیر خوبی نیستم: پس معلم خوب باقی میمانم. من مهندس خوبی نیستم، ولی اپراتور خوبی ام: خب اپراتور خوب باقی میمانم بهترین اپراتور عالم باقی میمانم. من در یک تیم فوتیبال تدارکاتچی خوبی ام، پر شک خوبی ام، آنالیزیو خوبی ام. اگر یک آنالیزور خوب آنالیزوری خودش را بگذارد کنار و بخواهد بروود سرمربی بشود. در حالی که طرفیتی را ندارد. چه کار میکند؟ خراب کاری میکند اماکن دارد که جزو بهترین آنالیزورهای دنیا باشد. ولی سرمربی خوبی نباشد. آقاسید جواد این خودشناسی را داشت و در گیر ماجراهای اجتماعی نشد. و این اسر خودآگاهی بود. از سرتبلی و نخواستن نبود به نظر من. والبته نوعی از سلوک بود: توجه به خود توجه به مسئله های خود. توجه به ضعف های خود توجه به قوت های خود. فرق دو تا دانشجو را در نظر بگیرید که یکی شان درس می خواند فوق دکترامی گیرد یکی شان بعد از مثلاً لیسانس می رود توی صنعت و شروع میکند به چرخ دنده ساختن، اختراع کردن. من نمی توانیم بگوییم این خوب است. آن بد است. هردو این ها لازم است. به اندازه. یک موقع هایی یکی اشر بیشتر لازم است. یکی اش کمتر لازم است. باید جای خودشان را در سپهر آن بخشی که دارند در آن کار میکنند پیدا کنند.

آقاسید جواد از موضوع بی اعتمایی به دنیا به نظر من الان گگوی مهمی است. مهم است که یک آدم شصت سال. پنجاه سال زندگی کرد و دور و پیش پراز مرید بود (مریدهایی که فقط منتظر بودند ایشان یک اشاره چشم و ابرو بیاید برایش بزرگ ترین خانه ها را بسازند. بهترین ماشین ها را بگیرند و وسعت زندگی برایش درست بکنند) و این ها را نخواست. هر بخشی هم که انجام شد با فشار دیگران بود. آیا در این موضوعات اشتیاق داشته یاند اداشته است؟ به نظرم گاهی هم داشته است مثلاً آقاسید جواد در مرود وارد شدن تلفن به خانه اش مقاومت میکرد. می گفت: «ماتا حالا بابدون تلفن بوده ایم چی شده که اضافه بشود؟!» بعد. تلفن را پرسش بپول خودش وارد خانه میکند. سید هادی. وقتی بتلفن می تواند با بعضی از فک و فامیلیش صحبت کند و صله رحم کند. آنچه بخاطر صله رحم. تلفن رامی بذیرد به آن رسیت میبخشد! می گوید: «خوب است! تلفن چیز خوبی است! می شود با آن صله رحم کرد». می خواهم بگوییم این نگاه به عالم و نگاه به زندگی

های اجازه اجتهاد گرفت.  
از فوت مادرش، همراه همسر خویش، به مشهد  
برت کرد و در اینجا سکونت گزید و در آدامه به تدریس  
اسول مشغول شد. آیت... سید جواد خامنه‌ای،  
بینین امامت جماعت مسجد صدیقی های بازار  
دو همچنین مسجد گوهرشاد را پیغمه داشت.  
آن، آنای، اتحمله حاشیه ب شایع الاسلام».

یهه بر رسانی، «حاشیه بر مکاسب» و «تقریرات نمیزدای نائینی» از خود به جای گذاشت. پدر معظم انقلاب، با وجود جایگاه والای علمی، ای ای بسیار ساده و در عسرت داشت. ایشان دویک سالگی در مشهد وفات یافت و در رواق بدخانه «حرم رضوی» به خاک سپرده شد.

در آستانه سالگرد درگذشت آیت... سید جواد ای. زندگی نامه ای ویژه از ایشان به چاپ رسید. ت اقا. خطاط حضرت آیت... العظیم خامنه‌ای لله‌العالی) از زندگی پدر «تازه‌ترین اثر انتشارات ب اسلامی» است. اما شخصیت سید جواد اقاییش نیز موضوع کتاب و مقاله بوده است. مشهورترین ارشادی «زنگی اینجاست. کوتاهه هایی از زندگی آیت... سید جواد خامنه‌ای» باشد.

اثری از مهدی قزلی که انتشارات «سونه مهر» حدود دو سال پیش آن را چاپ و منتشر کرده است.

انتشار «روایت آقا. مناسبتی فراهم آورد که با این نویسنده درباره راه و رسم زندگی آیت... سید جواد خامنه‌ای و آنچه می‌توان از آن آموخت گفت و گنیم.

گفت و گو

ایت... سید جواد خامنه‌ای پس از فوت پدرش برای زیارت به مشهد سفر کرد و به فضای علمی این شهر علاقه مند شد. بنابراین، مدتی در مشهد ماند و سپس به تبریز بازگشت. او در سن سی و دو سالگی برای ادامه تحصیلات به نجف رفت و حدود شش سال در آنجا ماند. آیت... سید جواد خامنه‌ای تحصیلات خود را در تبریز، مشهد و نجف گذراند و زمینه استادان بزرگی چون مسعودی، نائینی، آقا ضیاء الدین...

میرزه زاده - میرزا - میرزا - میرزا  
عراقي، سيد ابوالحسن  
صفهاني، محمد حسين  
غروي اصفهاني،  
حاج آقا حسين قمي،  
ميرزا مهدى اصفهاني و  
ديگران بهره برد و از بسياري

و معرفی ریاضیاتی را می‌داند. پس از آن، در درس دیگر، معرفو است که آقاسید جواد و قوی خواست بروند نماز جماعت. یک راست می‌رفت تا نماز جاده و محراب می‌ایستاد و نماز را شروع می‌کرد. بعد از آن هم بلا فاصله خارج می‌شد. مگر اینکه قبلش فرار سخنرانی گذاشتene بوده باشد.

ضی ها فکر می‌کنند که این یک سلوک ضد اجتماعی است. در حالی که این جوری نیست. سلوک ضد اجتماعی است. بلکه یک سلوک فردی است. ضدیتی با اجتماع است. اراده. یعنی هر وقت مسئله اجتماعی ای به وجود آمد یا سراغشان می‌آمدند از شان سؤالی می‌کردند. خواستی داشتند. این بزرگواران عمل می‌کردند. نس آقاسید جواد را می‌گوییم. آیت‌آ... بهجت هم از دن دسته بود. شما از آقایی بهجت فعلیت اجتماعی دی عمومی نمی‌بینید. ولی این نبوده است که به انتقام و مسئله های اجتماعی و سیاسی بی‌اعتنای شنید. بی‌اعتنای نبودند. ولی فعال هم نبودند. به یک منا منغلف هم نبودند. اگر در معرض مسئله و سؤال ر می‌گرفند. از خودشان واکنش نشان می‌دادند. همچنان که در اینجا نشان داده شده است.

بررسی کنندگان این مقاله از این نظر می‌گذارند که در این مقاله از تصور عمومی دوسته روانی داریم: روحانیون تئی که در امور سیاسی مداخله نمی‌کنند و روحانیون سیاسی. لفظی شود این دو گروه را با هم جمع کرد؟

که شما گفتید) راهنمایی به وجود آورد. الامات  
و ملزومات دنیای مدرن و دنیای جدید  
بود که باعث شد امام خمینی<sup>(\*)</sup> این  
شکل از مواجهه با عالم را پیدا کند؛  
یک بخشی اش البته مال شخصیت  
فردی خودش بود. و گرنه آن کسی  
که نظریه ولایت فقیه را مطرح  
می‌کند، آیت‌الله نائینی است.  
معنی مسئله ولایت فقیه را  
پیش از امام<sup>(\*)</sup> آیت‌الله  
نائینی مطرح کرده  
است. خیلی جدی.  
آن کسی که با جدیت  
مطرحش کرده،  
آیت‌الله نائینی است.  
اما آیت‌الله نائینی در  
بسیار این رام طرح می‌کند که  
بروز اجتماعی و سیاسی پیدا  
نمی‌کند و در دوره امام<sup>(\*)</sup> بروز  
اجتماعی و سیاسی پیدا  
می‌کند. بالآخره، امام<sup>(\*)</sup>  
پیش از آنکه تبدیل بشود به  
مرحنج یگانه دوران خودش،



زمضیر استادان بنزگری چون  
میرزا نائینی، آقا ضیاء الدین  
عراقي، سید ابوالحسن  
صفهاني، محمد حسين  
غروي اصفهاني،  
حاج آقا حسين قمي،  
ميرزا مهدى اصفهاني و  
ديگران بهره برد و از بسياري

D. M. BROWN / JOURNAL OF CLIMATE







# گام‌های یهود برای اشغال فلسطین



دولت فلسطینی از نگاه اسرائیل  
پس دولت فلسطینی که اولمرت و رقبای سیاسی اش - که اکثرشان پس از انتخابات عمومی اسرائیل در ۲۸ مارس در دولت ائتلافی با هم متحد خواهند شد - قصد ارائه آن به فلسطینیان برای نجات دولت یهودی و اکثریت یهودی آن را دارند. جگونه خواهد بود؟ کفرنانس هرتزلیا سرنخ هایی ارائه می دهد. سخنرانان از امیر پرتوز رهبر حزب کار، تاشائول موافاز و تزیبی لیونی، از اعضای بر جسته لیکود که به کادیما پیوسته اند، تأکید کردند که به فلسطینیان دولتی در بخش های باقی مانده پس از الحالاق بلوک های بزرگ شهرک سازی در کرانه باختری به «طرف» اسرائیل، دیوار امنیتی داده خواهد شد. همه توافق کردند که این دولت قطعاً شامل بخش شرقی بیت المقدس، که پس از جنگ ۱۹۶۷ به طور غیرقانونی توسط اسرائیل ضمیمه شد، نخواهد بود.

حتی بنیامین نتانیاهو، رهبر باقی مانده لیکود و مخالف سرسخت خروج شارون، در هرتزلیا والولیوت خود را جایه جایی دیوار به عمق بیشتر کرانه باختری برای الحالاق اراضی بیشتر اعلام کرد که احتمالاً برای تعیین یک جانبه شکل دولت فلسطینی آزاد است.

فلسطینی. باکنار گذاشتن غزه، دولت یهود چند سال فرصت تنفس برای خود خرید. هشدارهای دموگرافیک ● کارشناسان دموگرافیک اسرائیل، سرج دلا پرگولا و آرنون سورف، به طور جداگانه هشدار دادند که بدون اقدام بیشتر علیه «تهدید» نرخ زادوولد فلسطینیان، دولت یهودی در آستانه نابودی است. دلا پرگولا در روزنامه لیبرال هآرتس هشدار داد که حتی پس از خروج از غزه، لحظه برابر عددی (دموگرافیک) به سرعت نزدیک می‌شود: «اگر این تساوی در سال ۲۰۱۵ را نندهد، در سال ۲۰۲۰ رخ خواهد داد». سو نیز در روزنامه پرتیراز یدیعوت آحaronوو اعلام کرد که ایهود اولمرت، سپریس نخست وزیری و کسی که به نظر می‌رسد شارون را به خروج از غزه منقاد کرد در نامه‌ای به او نوشته است: «زمان آرسیده است که از تفکر نظری دست بکش و پاسخ‌های واقعی بدیم تا اطمینان حاصل شود که اسرائیل همچنان اکثرب قاطع یهودی خواهد داشت.»

در مناطق فلسطینی شدت می‌یافت. بر نگرانی کلیدی سیاست‌گذاران اسرائیلی متکر بود. سیاست‌داران ارشد چپ و راست، از شیمون پرزتا آریل شارون، نه برای بحث درباره راهبرد نظامی، بلکه برای صحبت درباره «دیو دموگرافیک» که فروپاشی دولت یهودی را تهدید می‌کرد، به روی صحنه فرتند. این بحث نشان‌دهنده تغییری اساسی در سیاست بود. برای دهه‌ها، اسرائیل بین دو گروه اصلی جمعیت فلسطینی تحت حاکمیت خود، تمایز قائل شده بود: «اعراب اسرائیلی» که شهرنامه اسرائیل را داردند و هویت فلسطینی آن‌ها به طور سنتی ازسوی دولت انکار شده، و فلسطینیان سرزمین‌های اشغالی. اما از کنفرانس هرتزلیا به بعد، این سیاست کنار گذاشته شد. تمام فلسطینیان بین دریای مدیترانه و رود اردن یک‌جا جمع شدند و از منظر دموگرافیک به عنوان دشمن قومیتی تعریف شدند که در آستانه دستیابی به برتری عددی قرار دارند. سخنرانان هرتزلیا هشدار دادند که اگر این روند مهار نشود، افزایش جمعیت فلسطینیان، اسرائیل را به سوی خودکشی ملی سوق خواهد داد.

کنفرانس هرتزیا یکی از کنفرانس‌های راهبردی مهم داخلی رژیم صهیونیستی است که هر ساله در دهه سوم ماه دسامبر به منظور بررسی اهداف و برنامه‌های اسرائیل و استراتژی‌های مورد نیاز در این باره برگزار می‌شود.

مجموعه مطالب مطرح شده در این کنفرانس، از بار علمی قابل توجه و اطلاعات مصداقی مناسبی برخوردارند که در بعضی مواقع بهدلایل سیاسی و تبلیغاتی، از بار علمی و استراتژیک آن کاسته شده است. کنفرانس هرتزیا شbahت زیادی به جشنواره‌های سینمایی دارد که برنامه‌های یک ساله بعد، به صورت فشرده و مختصر به اطلاع کارشناسان و عموم شهروندان اسرائیل رسانده می‌شود.

کنفرانس هرتزlia از سال ۲۰۰۰ میلادی سال ۲۰۰۸ همه ساله به استثنای سال ۲۰۰۵ به طور مرتبت در نیمه دوم دسامبر یا زانویه با حضور رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس ستاد کل ارتش، وزرا و نمایندگان کنست. شخصیت‌های برجسته سیاسی، نظامی، اقتصادی، امنیتی و اطلاعاتی و همچنین دهها محقق و کارشناس اسرائیلی و غیر اسرائیلی تشکیل شده است. درون مایه اصلی این کنفرانس را طرح مباحث مربوط به امنیت ملی اسرائیل تشکیل می‌دهد که از آن جمله می‌توان به رفع تهدیدهای منطقه‌ای از رژیم اشغالگر، طرح مسائل کلان اقتصادی، تقویت رابطه اسرائیل با آمریکا و یهودیان دیاسپورا و همچنین تلاش برای حفظ هویت یهودی

100

شای شام / حسن وح‌الامین

**علیپورا انگار آسمان**، از شدت اندوه، اشک می‌ریخت بر اتفاقی که در پی دیوارهای بلند قصر بیزید پنهان شده بود. در گوشه‌ای از آن قصر غیریمیز زرق و برق که با خاطره خیمه‌های ساده و پر صداقت کربلا، دینیابی فاصله داشته باشد.

کودکی سه یا چهارساله، با چشمانی کشاد و نگاه هایی سرش از سوال های بی پاسخ، به تاریکی خیره شده بود. اورقیه بود: دختر کوچک حسین<sup>(۴)</sup>. بان کوچک شام که نامش برای همیشه با واژه هایی چون مظلوم بیت، فراق و اسما که خورد است. او گلبرگی بود که پیش از شکفتن کامل، در طوفان کربلا شد و قصه اش، شعری است غمگین بر دفتر تاریخ عاشورا.

نام «رقیه»، به معنای «بالارونده» یا «صعود کننده»، برای این فرنام امام حسین<sup>(۴)</sup>. گویای سرنوشتی است کوتاه اما پر عروج. تاریخ بادقتی اندک جزئیات زندگی کوتاه او سخن می گوید. مادرش را برخی ریاب و برخی دیگران، زنان دانسته اند. آنچه مسلم است، اور در آمان بزمهر خانواده ای رشد کرد که عطرا یامان و معرفت، فضای آن را آکد کده بود. پدرش، حسین<sup>(۴)</sup>، همان کسی که کودکان را داشت و نشانیده باشان: شعر م خواند، عمومی، عیاض

میخواستند را برآورده باشند. میرزا علی‌محمد روزی از اینها بود. قدرتمندی اینها در این میدان بسیار بزرگ بود. هر چند که مهریانی اش زباند بود، عموزاده هایش، قاسم و علی ای و عبدا... که هم بازی هایش بودند. دنیای رقیه، دنیای باری در سایه خیمه ها، شنیدن قصه های شجاعت اجداد بازگووارش علی بن ایطاب و موصطفی<sup>(۱)</sup> بود.

اما این دنیای آرام، باطنین «هل من ناصر ينصرني؟» پدرش در صحرای کربلای همیشه درهم شکست. آن روز دهم محرم، روزی که آفتاب بر نیزه می درخشید و خاک از خون تشنه لیان رنگ شده بود، رقیه در خیمه مادر بود. غرش اسب ها، شیشهه مرکب های بی صاحب، فریاد های جنگ، دنیا کوکدی اش را چنان به آتش کشید که درکش برای آن سن انداز ناممکن می نمود. صدای پدر را می شنید، آن صدای مأثوس و اطمینان بخش که این بار با فرمان استغاثه همراه بود. شاید چشم ان کنگناکاوش، از لای پرده خیمه، لحظه سبق

پدر رابر خاک داغ کربلا دید: ای کاش ندیده باشد لحظه‌ای که خورشید عالم در خون غلتید و دنیا برای رقیه و دیگر یازماندگان، تاریک شد.  
● و سپس، اسارت آغاز شد  
کاروانی از زنان و کودکان داغ دیده و خسته، با غل و وزنجیر بیداد، به سوی شه مرکز حکومت پیزدین معاویه، به راه افتاد. رقیه کوچک، در این سفر طولانی طافت فرسنا. بر مکبی سواره بود که روگاری سوارش پدر یا برادرانش بودند. من دلخراش سرهای پر بیده عزیزانش بر نیزه‌ها؛ بر قلب کوچکش چه می‌گذشت که اگام که از کربلا دورتر می‌شدند، از پدر و عموهای برادران دورتر می‌شد. هر من یادآور دوری ای جان سوز بود. گرسنگی، تشنگی و گرمای سوزان، همراه همیشنه این کاروان غریب بود. رقیه، در آغوش مادر یا عمه‌اش زینب<sup>(۱)</sup>، شاید تنهانه امنیش را حست و جو می‌کرد. در حالی که پرسش‌های بزرگ در چشمانش م

می‌زد: «پدرم کجاست؟ چرا بزمی‌گردید؟ چرامارامی برند؟». وروده به شام، نه پایان رنج که آغاز فصل جدیدی از عذاب بود. قصر بزیند آن شکوه ساختگی و تجملات، برای کودکان اسیر، زندانی بود سرد و ترسنا رقیبه در میان زنان و کودکان اسیر، کوچکترین بود. شاید در ان شلوغی غم‌گم می‌شد. صدای گریه‌اش که از دل تنها‌یی و گم‌شستگی برمی‌خاست، قرق متروکه در زینب<sup>(س)</sup> را بیشتر می‌شکست. اما نقطعه اوج ماجرا، جایی بود که سرب پدرش، آن سرمقدس و نورانی، را به قسر زیست آوردند. روایات متعدد دلخواه نقل می‌کنند که رقیه در خواب یادیداری، بوی پدر را حساس کرد یا صدایش شنید. با شوق کودکانه به دنبال صدا و بوی آشنا دوید و سرپر را دید. آن صه راچگونه می‌توان وصف کرد؟ کودکی که تا دیروز در آغوش پدر می‌خندید. اکنون سر بی‌پیکرش را می‌دید. فریادهای جان سوز رقیه در ان لحظات، فریاد ه مظلومیت تاریخ بود: «یا بابا! من راک! یا بابا! من راک!» (پدر جان! تورا دیدم!). این فریاد، نه فقط ناله‌یک کودک داغ دیده، که رسات پدر جان! تورا دیدم! اعتراض به ظلم و بیداد بود که تا بادرگوش زمان طنین انداز شد.

محمد جواد علیبabaei

## بانوی کوچک شام و دختران امروز غزه

در سکوت سنگین شب های غزه، صدای نفس های بریده کودکانی به گوش می رسد که تاریخ برایشان تکرار شده است. آنان رقیه های عصر ما هستند. با چشمانی گشاده از ترس و دل هایی لرزان از خاطره افجاراتها. اینجا، زیرآسمان محاصره شده غزه، هر کودک داستانی را زندگی می کند که چهارده قرن پیش در شام نوشته شد.

ریقه دیروز در کاروان اسرای کربلا، ریقه امروز در  
کوچه پس کوچه های غزه است. همان نگاه های معمول،  
همان سؤال های بی پاسخ، همان درد بی پناهی؛ دختر کانی  
که باید کودکی کنند اما ناچارند بزرگ شوند؛ باید بازی کنند  
اما مجبور ند گریه کنند.

با ناله های تاریخی که از شام تا غزه طنین انداز شده است. اما این بار تفاوتی هست. رقیه دیروز تنها بود. صدایش در قصر بیزید گم شد. اما رقه های امروز تنها نیستند. هر اشکشان آتشی است در دل جهان، هر فریاد شان زنگاری است بر اسلحه ستمگران. آنان اگرچه کوچک اند. صبورند. اگرچه ضعیف اند. مقاوم اند.

این کودکان می‌دانند که تاریخ دربار می‌سود اما به بیک سمل، آن روز اشک‌های رقیه بی‌پاسخ ماند. امروز هر قطوه اشک آنان، میلیون‌ها قلب را به لرزه درمی‌آورد. آن روز کاروان اسرا تنهای‌گذاشتند. امروز کاروان بشریت به یاری شان شناخته است.

رقیه‌های غزه، وارثان واقعی آن بانوی کوچک شام‌اند. آنان یادآوری می‌کنند که مظلومیت هرگز نمی‌میرد؛ که اشک کودک، همیشه تاریخ را محکوم می‌کند. در نگاه معصوم این کودکان، آینده‌ای روش نهفته است؛ آینده‌ای که در آن، دیگر هیچ رقیه‌ای گم نمی‌شود، هیچ کودکی دارد که تنهایانه می‌ماند.

تازدانه پدر باشی و تاریخ در مقابل شرمنده شود

رقيقة يعني عروج



این بخش بیشتر بر طرح‌های اسرائیل برای تضعیف حزب... تمکن دارد و تفکر استراتژیک را بررسی می‌کند که امکان ایجاد تغییراتی در خاورمیانه برای حذف کامل تهدیدها را فراهم می‌کند. همچنین، این مقالات، درباره چگونگی بهره‌برداری رژیم صهیونیستی از نتایج سقوط بشاراسد و تأثیرات آن بر شاهزاده‌های منطقه، بحث می‌کند.

## اندیشه‌های یهودی برای تجزیه سوریه

حسینی نژادا مؤسسه مطالعات فلسطینی  
در سال ۱۹۶۳ میلادی در بیروت تأسیس

شد. اهداف این مؤسسه، حفظ میراث فرهنگی و تولیدات فکری فلسطینی و مستندسازی و پژوهش درباره تحولات مسئله فلسطین و منازعه عربی اسرائیلی است. با این هدف، مؤسسه سال به سال به گسترش مجموعه‌های کتابخانه و توسعه

کاروانی از زنان و نوادگان داع دیده و خسته، با عل و زنجیر بیداد، به سوی شام، مرکز حکومت یزیندین معاویه، به راه افتاد. رقیه کوچک، در این سفر طولانی و طاقت فرسا، بر مركبی سوار بود که روگاری سوارش پدر یا برادرانش بودند. مناظر دلخراش سرهای بردیه عزیزانش بر نیزه ها؛ بر قلب کوچکش چه می گذشت؟ هر گام که از کربلا و درتی شدنند، از پدر و عموهای و برادران دورتر می شد. هر منزل، یادآور دوری ای جان سوز بود. گرسنگی، تشنگی و گرمای سوزان، همراه همیشگی این کاروان غریب بود. رقیه، در آغوش مادریا عمه اش زینب<sup>(س)</sup>، شاید تهان نقطعه امنش را جست و جو می کرد، در حالی که پرسش های بزرگ در چشمانش موج

می‌زد: «پدرم کجاست؟ چرا برمنی گردد؟ چرامارامی برند؟». ورود به شام، نه پایان رنج که آغاز فصل جدیدی از عذاب بود. قصر بزید، با آن شکوه ساختگی و تجملات، برای کودکان اسیر، زندانی بود سرد و ترسناک. رقیه در میان زنان و کودکان اسیر کوچک‌ترین بود. شاید در آن شلوغی غمبار، گم می‌شد. صدای گربه‌اش که از دل تنها‌ی و گم‌گشتگی برمی‌خاست، قلب محروم زینب<sup>(۱)</sup> را بیشتر می‌شکست. امان نقطه اوج ماجرا. حایی بود که سر بریده پدرش، آن سر مقدس و نورانی، را به قصر بزید آوردند. روایات متعدد و دلخراش نقل می‌کنند که رقیه در خواب یادپاری، بوی پدر را حساس کرد یا صدایش را شنید. با شوق کودکانه به دنبال صدا و بوی آشنا دوید و سر پدر را دید. آن صحنه راچگونه می‌توان وصف کرد؟ کودکی که تا دیروز در آغوش پدر می‌خندید. اکنون سر بی‌پیکرش رامی‌دید. فریادهای جان سوز رقیه در آن لحظات، فریاد همه مظلومیت تاریخ بود: «بابا! من راک! یا بابا! من راک!» (پدر جان! تورا دیدم! پدر جان! تورا دیدم!). این فریاد، نه فقط ناله یک کودک داغ دیده، که رساترین اعتراض به ظلم و بیداد بود که تا بادرگوش زمان نانداشد.







امام رضا (ع).  
هر کس سپاسگزار بندگان نیکوکار نباشد.  
خدای متعال را هم سپاس نگفته است.

عيون اخبار الرضا [ع]. جلد ۲، صفحه ۲۷

The image displays a central Islamic calligraphy artwork. The word "رقص" (Rasq) is written in a bold, white, cursive Persian calligraphy style. This central text is contained within a large, ornate blue floral frame. The frame is composed of a repeating pattern of stylized leaves and flowers in shades of blue, green, and gold. A thin gold border outlines the entire blue frame. The background of the entire image is black, making the blue and gold colors stand out. At the very top of the image, there is a decorative circular element. It features a light green outer ring with small black dots. Inside this is a white circle containing the red Persian text "طرح روز" (Tarh-e-Ruz), which translates to "Daily Design".

خدا می بیند و از ماجراهای ما خبر دارد  
خبر دارد که زیر آسمانش دختری تشنه است  
شعر: رضا خورشیدی فرد طرح: مسعود پور زارعی

## بی بی رقیه(س) در امتداد علی اصغر(ع) کربلا

لشکر یزید در کربلا هیچ جنایتی نکرده بود جز تیرزدن به حنجره علی اصغر<sup>(ع)</sup>. همین کافی بود تا به بطلاش حکم کنیم. این خط معرفتی را در خرابه شام، حضرت رقیه<sup>(س)</sup>. حرف به حرف در دل تاریخ می نشاند. اونه شمشیری دارد و نه نیزه ای اما ضربه ای که به حاکمیت طاغوت می زند از هر دو ویرانگر است. او با هق هق گریه اش، باشکه ای هع صومانه اش، با پدر پدر گفتنش از خصم پدر درمی آورد. من وقتی ماجراجی طبق سر پوشیده و سر سید الشهداء<sup>(ع)</sup> و آغوش سه ساله را می خوانم با خود می گوییم. یزید، به دست خود نقاب از چهره گرفت. باطل خود را بی آنکه بخواهد آشکار کرد. بی بی رقیه<sup>(س)</sup> نیز نقش خود را به تمامی بر صحیفه تاریخ رقم زد. مرگ مظلومانه او نوعی شهادت است که سرخ نیست. اما برای سیاه کردن روی باطل طاغوت، معجزه می کند. معجزه ای که هنوز هم روپه می شود. روپه دخترکی که وقتی بیهانه بایا گرفت. با سر بریده پدر جوابش دادند. او هم شکایتشان را به خدا برد. ویرانه شاهد است که ویران شدن بنای اقتدار یزید از همان دم شتاب گرفت.

سیده رحیمه  
بنت علی  
مادر علی اصغر

کوچه

کربلا یک قطعه جغرافیا بی نیست در یک گوشه زمین. حقیقتی است که همه زمان و زمین را در بر می گیرد. خط سرخش را سید الشهداء<sup>(ع)</sup> و ۷۲ پارش به خون نوشند تا خاک به این باور برسد که حقیقت در زایش است. حق ایستاده است علیه ظلم حتی اگر هر پاره اش هزار زخم بردارد. ا... اکبر از عاشورا... اکبر از کربلا که راز کبیر ایمان شد. و... اکبر که صفحه دوم کربلا هم در شکوهی همانند آن در کاروان اسراء خود به خط نوشته شد. هریک از کاروان اسرا، سراسر ای را بودند که باشد می شکفتند تا حق شکوفا بیماند. کاروان را حضرت سجاد<sup>(ع)</sup> سالار بود و حضرت زینب<sup>(س)</sup> پرچم دار، اما در سایه آن سالار و در کنار این پرچم دار، بازگزبانی بود سه، چهار ساله به نام عظمای رقیه که سلام خدا بر او باد. نقش او چون علی اصغر<sup>(ع)</sup> شهید، به ظاهر کوتاه بود اماماندگار. حق رایک جلوه کافی است تا سهم خود را در روش نشانی بخشی ایفا کند. این گونه است که کربلا و عاشورا بدون علی اصغر<sup>(ع)</sup>. یک فصل بلند کم دارد. با خوانش این باب است که باب معرفت گشوده می شود. تا جایی که برخی مستشرقان می گویند که اگر

بی بی رقیه (س) در امتداد علی اصغر (ع) کربلا

لشکر یزید در کربلا هیچ جنایتی نکرده بود جز تیرزدن بن هنجره علی اصغر<sup>(ع)</sup>. همین کافی بود تا به بطلاش حکم کنیم. این خط معرفتی را در خرابه شام، حضرت رقیه<sup>(س)</sup>، حرف به حرف در دل تاریخ می نشاند. انه شمشیری دارد و نه نیزه ای اما ضربه ای که به حاکمیت طاغوت می زند از هر دو ویرانگر است. او با هق هق گریه اش، با اشک های م Gusomaneh اش، با پدر پدر گفتنتش از خصم پدردم آورد. من وقتی ماجراي طبق سر پوشیده و سر سید الشهداء<sup>(ع)</sup> و آغوش سه ساله را می خوانم با خود می گویم، یزید، به دست خود نتاب از چهره گرفت. باطل خود را بی آنکه بخواهد آشکار کرد. بی بی رقیه<sup>(س)</sup> نیز نقش خود را به تمامی بر صحیفه تاریخ رقم زد. مرگ مظلومانه او نوعی شهادت است که سرخ نیست. اما برای سیاه کردن روی باطل طاغوت، معجزه می کند. معجزه ای که هنوز هم روضه می شود. روضه دختر کی که وقتی بیهانه با پسر گرفت، با سر بریده پدر جوابش دادند. او هم شکایتشان را به خدا برد. ویرانه شاهد است که ویران شدن بنای اقتدار یزید از همان دم شتاب گرفت.

کربلا یک قطعه جغرافیا بی نیست در یک گوشه زمین. حقیقتی است که همه زمان و زمین را در بر می گیرد. خط سرخش را سید الشهداء<sup>(ع)</sup> و ۲۲ یارش به خون نوشتند تا خاک به این باور برسد که حقیقت در زایش است. حق ایستاده است علیه ظلم حتی اگر هر یاره اش هزار زخم بردارد. ا... اکبر از عاشورا!... اکبر از کربلا که راز بکیر ایمان شد. و... اکبر که صفحه دوم کربلا هم در شکوهی همانند آن در کاروان اسرا، خط به خط نوشته شد. هریک از کاروان اسرا، سراسرا بری بودند که باید می شکفتند تا حق شکوفا بماند. کاروان را حضرت سجاد<sup>(ع)</sup> سالار بود و حضرت زینب<sup>(س)</sup> پرچم دار، اماده سایه آن سالار و در کنار این پرچم دار، بزرگ بانوی بود سه، چهار ساله به نام عظامی رقیه که سلام خدا بر او باد. نقش او چون علی اصغر<sup>(ع)</sup> شهید، به ظاهر کوتاه بود اما ماندگار. حق رایک جلوه کافی است تا سهم خود را در روشانی بخشی ایفا کند. این گونه است که کربلا و عاشورا بدون علی اصغر<sup>(ع)</sup>. یک فصل بلند کم دارد. با خوانش این باب است که باب معرفت گشوده می شود. تا جایی که برخی مستشرقان می گویند که اگر



کنم و به یاد کودکان فلسطین شعری بخوانم،  
اما مگر این شعری که در این گوشه دنیا  
خوانده می شود دردی از کودکان فلسطینی  
دوا می کند؟ نه شاید واقعانه! اما شاید قدر

از نزی و جدان خفته‌ای را بیدار نند.  
به دریا زدم، بی صد اگریه کردم  
دراندوه تو باره‌اگریه کردم  
رسیدم از ایران به مرز فلسطین  
بین از غم تا کجا اگریه کردم  
غم آب و نانت پرستوی حیران!  
زمین زد مرابی هوا گریه کردم  
کمک خواستی، گفتی از جان خود چشم!  
دریغ‌اکه تنها تو را گریه کردم  
مرا سوخت داغ زن پایه‌ماهی  
چنان ابر بی دست و پا گریه کردم  
خیر نارگاهان، سمه‌گین، داغ و سنگین  
خد تاما؛ از صد اگریه کردم

بین از غم تا کجا گریه کردم

A black and white photograph capturing a scene inside a grand, historical building, likely a mosque or a similar architectural space. The perspective is through a large, pointed archway that frames the background. The floor is covered with a detailed, patterned carpet. In the foreground, a man with a dark beard and mustache, dressed in a dark suit and tie, is pushing a man in a wheelchair. The man in the wheelchair is wearing a dark cap and a light-colored shirt. Behind them, several other men in wheelchairs are seated in a row, facing towards the right side of the frame. Some of these men are wearing traditional headgear like turbans. The ceiling above is high and appears to be made of stone or brick, with some architectural details visible. The lighting is bright, coming from the opening at the top of the arch and the windows along the sides.